



بسم الله الرحمن الرحيم

خلاصه مباحث گذشته

در مبحث قمار چهار مقام را بحث کردیم که محور این چهار مقام همان چهار صورت متصور عقلی است با دو قید که یکی آلات قمار بود و یکی هم رهان بود

- صورت اول این بود که هر دو باشد،

- صورت دوم این بود که بالآلات باشد ولی رهان نباشد،

- صورت سوم این بود که رهان باشد و بالآلات نباشد

- صورت و مقام چهارم هم این بود که مغالبه و مسابقه‌ای است که بدون آلات و بردوباخت باشد.

این چهار صورت عقلی بود باملاحظه این دو قید که متصور بود و بحث کردیم.

نتیجه مباحث گذشته

حاصل بحث در این چهار صورت این شد که نکته محوری در حرمت تکلیفی و وضعی همان رهان و مالی است که بین متسابقین ردوبدل شود نقطه محوری این شد و چیز دیگری در این حرمت دخالت نبود؛ و جایی که بردوباخت در کار باشد در افعال جدیه و افعال لعبیه فرقی هم نمی‌کند جز در دو سه مورد که استثناء شده بود، اشکال دارد. این حاصل کل مباحث ما در چهار مقام گذشته شد. مقامات بعدی که فروض دیگری است را بحث می‌کنیم.

مقام پنجم

مقام پنجم این است که مسابقه‌ای برگزار می‌شود و جایزه‌ای داده می‌شود اما نه بین متسابقین بلکه جایزه را شخص دیگری مثلاً حکومت یا یک مؤسسه‌ای می‌دهد و شخص ثالثی می‌دهد. بین دو نفر توافق بر این نیست که مغلوب به غالب مبلغی بدهد این مقام پنجم است. همان‌طور که ملاحظه کردید تفاوت بحث مقام پنجم با کل چهار مبحث قبل این است که در هر چهار صورت مسابقه که مقامات اربعه بود بحث روی این بود که بین متسابقین یا متسابقین توافق و



تبانی وجود دارد مبنی بر اینکه مغلوب به غالب مبلغی را بپردازد یا مالی را اعطا کند و بین خودشان هست. مقام پنجم کلاً با این بحث‌ها متفاوت است. این است که مال را شخص دیگری غیر از این‌ها به برنده می‌دهد و چیزی از جیب خود مغلوب بیرون نمی‌رود بلکه شخص ثالثی یا نهاد دیگری غیر از دو نفر به برنده مالی را می‌دهد. این بحث مطرح است که این جایز است یا نیست؟

نکات موجود در مقام پنجم

در این مقام چند نکته در مقدمه عرض کنیم و بعد وارد ادله شویم.

۱- محل تهیه جایزه

یک نکته این‌که در مبحث فرقی نمی‌کند که جایزه را چه کسی بدهد آنچه نقطه محوری است این است که جایزه و مال از مغلوب به غالب نمی‌رسد بین خود آن‌ها چیزی تبادل نمی‌شود بلکه از بیرون کسی مال را به عنوان جایزه پرداخت می‌کند که متعارف هم هست. این‌که این جایزه دهنده چه کسی باشد فرق نمی‌کند ربما شخص ثالثی، فردی غیر از این دو نفر به دوتا رفیق می‌گوید شما کشتی بگیرید یا بروید این قله را فتح کنید هر کس برد من صد هزار به او می‌دهم. شخص ثالث باشد یا اینکه شخص ثالثی نیست یک نهاد و مؤسسه‌ای است. نهادها و مؤسساتی هستند که این‌گونه کارها را انجام می‌دهند.

یا اینکه خود حکومت بیاید این کار را انجام دهد کما اینکه داریم در بازی‌ها و مسابقات رسمی خود حکومت این کار را انجام می‌دهد. حکومت‌ها جایزه می‌گذارند مثلاً جشنواره می‌گذارد برای کسی که فلان رتبه را احراز کند در فلان مسابقه برنده شود این‌ها فرقی نمی‌کند. آنچه ملاک است جایزه است از بیرون به برنده رد و بدل شود نه بین خود آن‌ها، این یک نکته که فرقی بین آن‌ها نیست.

چیز خاصی در ادله وجود ندارد که این با بقیه فرق کند گفتیم یا شخص است یا حکومت یا مؤسسه، فرض این است مال خودش نیست مال پدرش است با این حال تفاوتی خیلی نمی‌کند.



این یک نکته که بین آن‌ها فرقی نمی‌کند مادامی که مالی از جیب مغلوب بیرون نرود در بحث می‌آید. هر حالتی پیدا شود که از جیب مغلوب چیزی بیرون می‌رود آنجا قمار می‌شود و در چهار فرض سابق می‌آید.

فرض پنجم و مقام پنجم این است که مال از جیب مغلوب نمی‌آید و از ناحیه بیرون به غالب و برنده داده می‌شود آن شخص بیرونی شخص حقیقی باشد یا حقوقی، شخص حقوقی هم یک مؤسسه یا یک نهادی مثل حکومت باشد هیچ فرقی نمی‌کند. شخص حقیقی هم از اقوام او یا دوستانش باشد، دور یا نزدیک باشد این هم فرقی نمی‌کند بنابراین جایزه دهنده شخصی است غیر مغلوب. سواءً کان شخصاً حقیقیاً او حقوقیاً و هر یک از این دو فرض هم هرچه متصور باشد. تا مرزی که از مغلوب چیزی گرفته نمی‌شود و از جیب او چیزی بیرون نمی‌رود در مقام پنجم می‌آید هر جایی که چیزی از جیب مغلوب بیرون می‌رود آن وقت در یکی از آن چهار مقام سابق می‌رود و اگر هم یک چیز مشترکی باشد هر کدام حکم خود را دارد اگر گفته شود به کسی که در این کشتی برنده شود که صد هزار تومان می‌دهیم و پنجاه هزار فلان مؤسسه می‌دهد و پنجاه هزار تومان مغلوب می‌دهد این منحل می‌شود، بخش مغلوب قمار و حرام می‌شود و اشکال دارد و بخش مربوط به شخص بیرونی در مبحث ما می‌آید. ترکیب هم شود هر کدام حکم خود را دارد.

مجموعه‌ای این پول را می‌دهند، آن وقت هر مقدار که مربوط به مغلوب است و می‌خواهد به غالب بدهد اشکال دارد. ملاک همین است. ممکن است معامله واقع شود و در نسبت به بخشی جایز باشد و نسبت به بخشی دیگر غیرنافذ، در یک معامله یک خمره خمر را با یک یخچال می‌فروشد این منحل می‌شود. می‌گویند نسبت به آن نافذ است نسبت به آن باطل است. ممکن خیار در اینجا باشد که داستان دیگری است و إلا معامله منحل می‌شود اینجا هم یک معامله است هر که برنده شود صد هزار به او می‌دهند از این صد هزار تومان ده هزار تومان یا نود هزار تومان از مغلوب است و مابقی از شخص بیرون است آنچه از شخص بیرون است نافذ است و آنچه از مغلوب است نافذ نیست. البته نسبت به بیرونی فرضی می‌گوییم، اگر بگوییم اشکال ندارد جایز است. ولی آنچه از جیب مغلوب می‌رود نافذ نیست یعنی هم حرمت تکلیفی دارد هم حرمت وضعی دارد این یک مقدمه در مقام پنجم بود.

اینجا یک نکته است و آن این است که اگر این مجموعه گروه‌ها چیزی را به یک مؤسسه‌ای هبه می‌کنند می‌گویند همه ما سهمی می‌دهیم به عنوان هبه به این مؤسسه می‌دهیم و این مؤسسه به برنده چیزی را می‌دهد، کل این پول از بیرون داده می‌شود و از جیب خود آن‌ها نیست برای این که اینجا واسطه خورده است، پول را به نهاد یا مؤسسه یا به شخصی



می دهند و کلاً بخشیده اند. به او گفته اند ما هر کدام سهمی را به شما می دهیم بعد خود شما تدبیر کنید مسابقات را برگزار کنید و جایزه بدهید، اگر از این قبیل باشد مانعی ندارد و اینجا برنده و بازنده نیست، چون خود او به عنوان برندگی و بازندگی در این کار، وارد این میدان نشده است به عنوان کمک یا هبه ای به مؤسسه ای به آن نهاد یا سازمان تربیت بدنی داده است آن هم به برنده چیزی می دهد که اشکالی ندارد.

سؤال: حق عضویت چگونه؟

جواب: حق عضویت هم مثل هبه می شود اگر به عنوان حق عضویت می دهد یعنی همه مسالمت در این دارند برای این که این مؤسسه می خواهد مسابقات برگزار کند خرج دارد و کارمند دارد و تشکیلات دارد و جایزه می دهد به عنوان این که این مؤسسه مجموعه ای از فعالیت ها دارد و این ها هم علاقه مند هستند که این ها ترویج و ترغیب شوند، همه حق عضویتی می دهند و حق عضویت و این ها یک عقدی است در فقه کمتر بحث شده است و جای بحث دارد. حق عضویت می دهد بعد او از این حق عضویت های جمع شده چیزی را می بخشد یا هبه می دهد یا حقوق کارمندش را می دهد، یا ورزشگاه می سازد.

سؤال: هبه می تواند صوری باشد؟

جواب: واقعاً هبه می کند، اگر قصد انشاء هبه شد ولو اینکه دائی اش آن است آن دائی مضر نیست ولی واقعاً هبه می کند و بعد از آن دست آن است ممکن است بگوید که نمی دهم یا یک جور دیگر بدهد یا از جای دیگر بدهد که این ها دست او است.

شاید بگوییم این هم حرام است می خواهیم بگوییم حکم این با آن ها فرق دارد ممکن است آن ها حرام باشد این جایز باشد ممکن است کسی اینجا قائل به حرمت باشد هنوز بحث نکردیم.

آن غایت الداعی که بنا است به او داده شود مضر نیست. ملاک در معاملات قصد انشاء است. اگر شرط کند من این را به تو هبه می کنم و اگر برنده شدم باید این را به من بدهی. اگر چنین باشد ممکن است اشکالی داشته باشد. کمی باز گذاشتیم برای اینکه فقه به این واقعیات متصل شود و گر نه اجازه نمی دادم این قدر صحبت شود.

وقتی که کشورها پول را می گذارند این که اشکال ندارد؟



جواب: آن‌هم حق عضویت است الآن کشورها در سازمان‌های بین‌المللی یا سازمان‌های همین ورزشی و امثال این‌ها حق عضویت می‌دهند الان هم در فوتبال و امثال آن این‌گونه است هر کشوری حق عضویت می‌دهند سازمان‌های دیگر هم همین است همه حق عضویتی می‌دهند این حق عضویت درواقع به‌عنوان اینکه آنجا عضو است و مشارکت می‌کند در این‌که این نهاد و سازمان ملی یا بین‌المللی سامان پیدا کند و اداره شود کمکی می‌کند.

سؤال: حق عضویت نباشد، به نیت جایزه می‌دهد ولی جایزه را خود حکومت که برنمی‌دارد این را گروهش برمی‌دارد؟

جواب یعنی واقعاً به او می‌بخشند اگر هبه است یا حق عضویت است مانعی ندارد. سؤال: شخص ثالث حساب نمی‌شود؟

جواب: نه آن گروه می‌برد مانعی ندارد شخص سوم می‌شود.

این یک مطلب که اگر شخص ثالث بود حقیقی باشد یا حقوقی، فرقی نمی‌کند. این نکته دوم مقدماتی می‌شود و ذیل آن این نکته مطرح شد.

۲- مال شخصی یا حق عضویت؟

نکته دوم هم این است که مالی که شخص ثالث می‌دهد یک‌وقتی از خودش می‌دهد یا از حق عضویت از خود این‌ها می‌گیرد یا این‌ها به او هبه می‌کنند اگر بگوییم اشکال ندارد این هم مانعی ندارد. اگر گفتیم اشکال ندارد برخلاف بحث‌های قبلی این، جزء این مقام می‌شود نه مقام‌های قبلی، به‌عنوان غالب و مغلوب چیزی نمی‌دهد حق عضویت می‌دهد و به این فدراسیون یا تشکیلات یا سازمان هبه‌ای می‌کند آن‌وقت خود او جایزه‌ای قرار می‌دهد. این هم مقدمه دوم که اگر شخص ثالث یا حقیقی یا حقوقی حق عضویت یا هبه می‌گیرد مانعی ندارد. این هم مقدمه دوم.

۳- امور جدیه یا کار ارزشمند؟

مقدمه سوم در بحث این است که این مسابقاتی که می‌گوییم جایزه‌اش را شخص ثالث می‌دهد اعم است از اینکه در امور جدیه و ذات اغراض عقلانیة بما هی باشد مثل مسابقه در مطالعه یا کار ارزشمندی که عقلاً دارای ارزش



می‌دانند و ارزش را ذاتاً غیر بازی می‌دانند یا اینکه در افعال جدیه باشد بحث ما هر دو را می‌گیرد افعال لعبیه باشد، مثل فوتبال و غیره بازی‌هایی که وجود دارد هر دو، مورد بحث هست وقتی که ما ادله را بررسی می‌کنیم باید ببینیم نسبت به هر دو قسم شمول دارد یا یک قسم خاصی است؟

پس بحث ما هم شامل افعال جدیه و ذات اغراض عقلایی می‌شود هم اعطای جوایز در مسابقات و بازی‌هایی که عقلانی هستند و بازی و لعب به حساب می‌آیند، هر دو مشمول بحث ما است. این هم مقدمه سوم.

۴- پرداخت حقوق به برنده یا همه؟

در مقدمه چهارم بحث ما این است که شخص ثالث یا شخص حقیقی یا حقوقی، فدراسیون یا حکومت یا هرکسی که هست، به برنده جایزه می‌دهد؛ اما صورت دیگری هم است که حکم مستقل دارد و باید آن را مستقل بررسی کرد گاهی فدراسیون اصولاً به همه حقوق می‌دهد یعنی همه گروه برنده و بازنده و عوامل، به همه چیزی می‌دهد کار به بحث دوم ندارد، بحث ما در این است که فدراسیون یا شخصی از بیرون مالی را برای برنده در این مسابقه و در انجام این کار قرار می‌دهد این مورد بحث است.

اینکه فدراسیون یا هر شخص حقیقی یا حقوقی برای نفس بازی نه برای برنده پولی می‌دهد، اصلاً با برنده و بازنده کار ندارد. ممکن است برای برنده چیز خاصی در نظر بگیرد که آن در قسم اول می‌رود، چیزی که مشترکاً برای همه این‌ها قرار می‌دهند. این‌ها عضو گروه شده‌اند دو یا سه تا گروه هستند به همه آن‌ها فدراسیون حقوقی می‌دهد، یا پشتیبان‌هایی که وجود دارند کارخانه‌ای به این گروه پول یا حقوق می‌دهد و به آن‌ها امکانات می‌دهند با قطع نظر از اینکه برنده باشد یا بازنده، آن وجهی که یک پشتیبان یا شرکت یا شخصیت حقوقی، یا فدراسیون به همه گروه‌ها یا به یک گروه می‌دهد با قطع نظر از برنده و بازنده، قصه دیگری است ربطی به بحث ما ندارد.

بحث ما این است که فدراسیون یا شرکت یا نهاد حکومت یا شخصی، در فوتبال یا مسابقه کتاب‌خوانی یا هر عمل جدی یا لعبی دیگر برای برنده مالی قرار می‌دهد این محل بحث است؛ اما قسم بعدی که برای خود این عمل و مشارکت در این عمل برای هر دو یا برای یکی مالی را قرار می‌دهد با قطع نظر از اینکه چه کسی برنده می‌شود چه کسی بازنده؟ این محل بحث ما نیست و در بحث اجاره می‌آید. اجیر کرده است که کار کند یا فوتبال بازی کند، اگر از نظر عقلایی این



عمل یک عمل ذات قیمتی باشد ارزش مالی به حساب آید و دارای مالیت باشد همان اجاره است باید شرایط اجاره رعایت شود. اجیر کرده است که بازی یا مطالعه کند. مشروط به هیچ قیدی نیست؛ مثلاً می‌گوید صد هزار تومان مال شما است که این کار را انجام دهی. اگر ارزش عقلایی داشته باشد طبق قوانین کتاب اجاره نافذ و جایز است. این هم مقدمه چهارم که حد کلام و محل بحث جعل چیزی برای فایز و حائز رتبه و برنده در یک عملیات مسابقه‌ای است؛ اما آنچه به همه داده می‌شود یا به یکی داده می‌شود ولی نه به عنوان فایز و برنده، بلکه به عنوان اجر و اجرتی که این کار دارد، این محل بحث نیست اگر آن کار عمدی باشد و از نظر عقلاً ارزش اقتصادی و مالی داشته باشد اجاره می‌شود و طبق شرایط باب اجاره درست است. بحث ما در اولی است که برای برنده قرار می‌دهد نه برای هرکسی که بازی کند.

الان هم در بازی‌ها هر دو قسم راداریم بسیاری از گروه‌ها هستند که این پشتیبان دارند، مثلاً فلان شرکت می‌گوید من سالی صد میلیون به شما می‌دهم برای اینکه در این بازی‌ها شرکت کنید، البته زحمت دارد تلاش می‌کند برای اینکه ببرد ولی نبرد هم قصه همین است، انگیزه و دایی برای بردن در این شرکت پشتیبان است. کسی که حمایت‌کننده است تلاش می‌کند که ببرد، ولی چه ببرد و چه نبرد این صد میلیون در سال حق او و این گروه است. ارقام را هم نباید دیگر از صد میلیون به پایین آوریم صد میلیون بگیرید بروید بالا.

به این شکل هست و آن شکل برنده هم هست، گاهی هر دو است یعنی شرکت پشتیبان می‌گوید صد میلیون به شما می‌دهم برای اینکه بازی کنید و اگر هم بردید یک صد میلیون دیگر هم به شما می‌دهم آن وقت، اولی از باب اجاره و می‌شود کار به قمار و این‌ها ندارد و باید ببینیم دومی که برای برنده قرار می‌دهد حرام است یا نه؟ فرق هم نمی‌کند برای یک گروه یا دو گروه یا برای ده گروه قرار داده است، این اجاره است پولی می‌دهد که کاری انجام دهد یا اینکه گاهی این گونه است در مسابقات کتاب‌خوانی یا مقاله‌نویسی می‌گوید من به همه چیزی می‌دهم منتها به برنده چیز بیشتری داده می‌شود.

در جشنواره‌ها این گونه است گاهی یا حداقل بعضی وقت‌ها این طور است که می‌گویند فلان موضوع است هر که بنویسد ما مبلغی به او می‌دهیم پنجاه هزار تومان یا صد هزار تومان می‌دهیم و کسی که ببرد یک عمره یا سوریه یکجای دیگر می‌دهند.



قسم اول که برای همه است اجاره می‌شود؛ اجاره و اجیر و مستأجر و امثال این‌ها طبق ضوابط اجاره هم نافذ می‌شود؛ اما نوع دوم که برای برنده چیزی قرار می‌دهد در بحث ما قرار می‌گیرد.

سؤال: فدراسیون بر اساس رتبه مثلاً اول تا پانزدهم مبلغ می‌دهد مثلاً اگر رتبه اول بود پنج میلیون اگر دوم بود چهار میلیون؟

جواب: این هم در بحث ما می‌آید چون برای برنده است این هم یک مطلب که واضح شد که اجاره غیر از بحث جایزه دادن به برنده است.

یک بحث هم این است که جایزه‌ای که برای برنده قرار می‌دهند، همیشه این‌طور نیست که برنده و بازنده بین صفر و صد باشد یکی ببرد و یکی ببازد، گاهی رتبه‌بندی می‌شود یکی امتیاز صد و یکی امتیاز هشتاد و یکی امتیاز شصت می‌گیرد و طبق این امتیازات برای این‌ها چیزی قرار داده می‌شود. اگر چیزی در اینجا هست از آغاز تا انجام همه یک چیزی را می‌گیرند مثلاً همه کسانی که در این بازی می‌آیند ده هزار تومان را می‌گیرند منتها غیر از این ده هزار تومان بالاتر از آن مشروط به رتبه‌ها شده است یکی رتبه اول می‌آورد صد هزار تومان می‌گیرد رتبه دوم هشتاد تومان، رتبه سوم شصت تومان و ...

این مورد بحث ما قرار می‌گیرد اینکه می‌گوییم جایزه قرار داده شود چه در چهار بحث قبلی و چه در اینجا، گاهی هست که جایزه‌ای است که به برنده مطلق، داده می‌شود و بقیه هم محروم می‌شوند گاهی است این برنده‌ها را رتبه‌بندی می‌کنیم اگر آنجا کفی دارد و برای همه است همان اجاره است که حق زحمت دویدن یا موتورسواری یا اتومبیل‌رانی داشتند نفس اینکه آمده است اینجا یک کفی دارد و به همه چیزی می‌دهند و لذا لازم نیست جایزه برای رتبه یک باشد و بقیه نباشند اگر بقیه هم دارد، جایزه‌ای به عنوان رتبه سوم می‌دهد.

جایزه برای برنده مطلق یا برنده نسبی

ظاهراً این نکته در چهار مقام قبل هم محل بحث است که باید توجه کرد جایزه دادن بر اساس برنده شدن مطلق، یا برنده تشکیکی و نسبی است که امروز خیلی رواج دارد.

بحث بحث مهمی است و رواج هم دارد و هنوز نکاتی داریم چند مقام دیگر بحث است بعد هم فروع و تزییلاتی داریم که آن‌هم هفت هشت ده تایی می‌شود هنوز کار داریم.



۵- توافق الزامی یا تعهد الزامی؟

یک نکته دیگر این است که بحث ما در اینجا در صورتی است که بخواهد توافق الزامی یا یک تعهد الزامی باشد، یک وقتی الزامی برای خودش می‌بیند و طرف هم مطالبه دارد، گویا یک نوع توافق است و همه آمده‌اند مثلاً مقاله نوشته‌اند یا در اتومبیل‌رانی شرکت کرده‌اند و وقتی هم کسی برنده می‌شود باید جایزه بدهد. یک وقتی هم به عنوان یک هبه است که می‌گوید بازی کنید ممکن است چیزی به شما بدهند، یعنی حالت هبه دارد و الزامی در آن نیست.

ممکن گاهی اوقات به نحو جعاله باشد این هم بحثی است که خود او به این شکل اعلام می‌کند که مجموعه‌ای پایین قله هستند و قرار است همه بروند بالای قله، اعلام می‌کند هر که در فلان ساعت یا زودتر بالای قله رسید من به نحو جعاله به او چیزی می‌دهم. - جعاله این است که کسی این چیز را برای من پیدا کرد یا فلان کار را انجام داد من یک چیزی به او می‌دهم - بگوید هر کس اول شد در اینجا جعاله است گاهی، جعاله عقد نیست ایقاع است و جایز، برخلاف اجاره که عقد است و لازم، می‌گوید هر کس این کار را کرد یا این عمل را انجام داد پنجاه هزار به او می‌دهم در جعاله هم این طور که به ذهنم می‌آید و باید همین طور باشد، لازم نیست که کاری که آن شخص انجام می‌دهد نفی‌اش به جاعل برسد گاهی این طور است که می‌گوید هر کس مال من را پیدا کرد، مثلاً فلان مبلغ را به او می‌دهم نفع این به او می‌رسد ولی ممکن است یک کاری را بگوید و نفع آن هم به او نمی‌رسد ولی از نظر عقلاً کاری است که جعاله در آن درست است.

فرق جعاله با اجاره این است که جعاله ایقاع است ولی اجاره عقد است، اجاره می‌آید بین دو طرف توافق می‌شود که این کار را انجام دهد و من هم این قدر پول می‌دهم ولی در جعاله ایقاع است می‌گوید هر کس این را کرد این مبلغ به او داده می‌شود.

پس جعاله عقد نیست ایقاع است و به طبع جایز هست می‌تواند آن فسخ کند، مگر اینکه آن عمل را انجام داده باشد معلوم است بعد از اینکه عمل محقق شد دیگر قابل فسخ نیست و حتی در حین عمل هم به نظر می‌آید که فسخ یا برگشتن از آن جایز است. شاید این محل اختلاف باشد

پس اولاً: جعاله ایقاع است.



ثانیاً: جایز است که حق فسخ دارد و نفع آن عملی که جعل برایش قرار داده شده است لازم نیست به خود جاعل برسد. ممکن است عملی باشد که نفع آن به دیگری برسد. هدف دیگری دارد که برای او نفع ندارد، آن کار ارزشی دارد. این‌ها خصوصیات جعله است.

اشکال جایزه

اینجا که جایزه قرار می‌دهد چند شکل می‌تواند داشته باشد:

- یک شکل این است که به نحو هبه باشد؛
- یک شکل این است که به نحو جعله باشد، می‌گوید هر کس این کار را انجام داد زودتر به هدف رسید یا زودتر به قله رسید یا زودتر این کتاب را مطالعه کرد یا بهترین مقاله را نوشت، هر که بهتر انجام داد، من به نحو جعله این مبلغ را به او می‌دهم؛
- یک فرض آن این است که حالت اجاره یا عقد فرض کنیم یعنی توافقی شود بین دو گروه برای اینکه من این پول را به شما می‌دهم تا شما کاری را انجام دهید و زودتر ببرید؛ که حالت اجاره است یعنی اجیر من می‌شود تا این کار را انجام دهد.
- به عبارت دیگر، حداقل این سه حالت را دارد:
- یا به نحو جعله است می‌گوید من سَبَقَ فی هذا السابق فله کذا،
- یا به نحو اجاره است عقدی منعقد می‌کند یا توافق‌نامه‌ای امضا می‌کنند که او ببرد و مبلغی بدهد این هم اجاره است.
- یا حالت هبه است و تعهدی وجود ندارد فقط می‌دانند اگر کسی اینجا ببرد جایزه‌ای به او می‌دهند به نحو هبه است.
- این فروض در اینجا متصور است که ما هر یک از این فروض را در اینجا بحث می‌کنیم. این هم یک مقدمه است که بعد بحث می‌کنیم.

۶- جواز یا حرمت؟

نکته دیگری که اینجا در مقدمه باید عرض کنم این است که اقوال در مسئله در اینجا خیلی تعدد قولی نیست و غالباً در اینجا بلکه قاطبه این‌هایی که آدم سراغ دارد می‌گویند این جایز است اما درعین حال احتمال تحریم هم اینجا وجود



دارد من قائلی پیدا نکردم اگر پیدا کردید بفرمائید؛ و معمولاً می‌گویند جایز است. احتمال سومی هم وجود دارد که کسی بین افعال جدیه و افعال لعبیه تفصیل دهد و بگوید در جدیه مانعی ندارد ولی در لعبیه مانع دارد. این هم سه احتمال است که غالباً در اینجا و شاید قاطبه فقها همان جواز را قائل هستند.

این سه تا احتمال است که اینجا غالباً همان قول اول را می‌گویند اگر چنین چیزی باشد باید قائل به قول دوم شد. پنج تا نان بربری صبحانه، آن را هم باید دید فکر می‌کنیم ببینیم کجا قرار می‌گیرد مثل هما مؤاکله‌ای است که در صحیح محمد بن قیس بود که می‌فرمود این کار باطل است ولی حرمتش از این استفاده نمی‌شد. بحث ما با قطع نظر از بحث‌های قبلی است اگر کسی گفت بازی با آلات حرام است با قطع نظر از رهان آن وقت جعل بر یک کار حرام است.

این‌ها مقدمات بحث بود که مهم بود ان شاء الله ادله تحریم که ادله قمار و میسر و رهان و مسابقه این ادله‌ای که سابق داشتیم یک به یک باید اینجا تطبیق داده شود که از آن‌ها حرمت استفاده می‌شود یا نمی‌شود.

و صلی الله علی محمد و آل محمد